

# تجارت پرسود خرافات

بازار پیشگویان قلبی همچنان داغ و پرسود است

مآئده شبیر پور



مقصد مشخص است می‌رود بهشت زهرا. باورش نمی‌شود نام عزیزانش که روزی گرمابخش زندگی‌اش بوده‌اند روی سنگی سرد حک شده است... هنوز بعد از سه سال باور نکرده که در این دنیا غیر از خدا کسی را ندارد... دلش نمی‌آید دست بر سنگ بکشد... همین‌طور با خود درگیر است که گرمای دستی را بر شانه‌اش حس می‌کند... قالب تهی می‌کند... دلش می‌خواهد همانجا تا ابد بماند و تصور کند دستان کودکش... دستان همسرش هنوز روی شانه‌اش است، اما این خیال اندکی بعد فرو می‌ریزد وقتی پیرمردی از پشت صدایش می‌کند تا خیرات بردارد... تاب ایستادن ندارد، بالاخره خم می‌شود، می‌شکند و اشک‌هایش سرازیر می‌شوند... آن قدر اشک می‌ریزد تا از حال می‌رود... غم‌اش اکنون همسرن و سال کودکش است.

روی صندلی پارکی کنار قبرستان نشسته و به راه خیره شده، خورشید در حال غروب است که زنی را از دور می‌بیند... او اعتنا نمی‌کند، اما زن میانسال کنارش می‌نشیند... می‌خواهد سر حرف را باز کند، اما او بلند می‌شود... هنوز چند قدمی از صندلی دور نشده که زن میانسال به هدف می‌زند و نام همسر مرد را به زبان می‌آورد... مرد لحظه‌ای می‌خکوب می‌شود و تامل می‌کند... زن میانسال ادامه می‌دهد و از فرزند خردسال مرد می‌گوید...

## سکانس سوم

قرمز... سبزی... آبی... تکرار می‌شود و این رنگ دنیای مرد را تغییر داده است... صدای موسیقی قطع نمی‌شود... پرده‌ها کنار رفته... عکس همسر و دختر مرد با آیین خاصی تزئین شده انگار نه انگار که روزی این خانه سال‌ها عزا دار بوده... امروز هم دوشنبه است دقیقاً مطابق همان تاریخ که زندگی مرد را آب برد، اما این بار در سالگرد آن اتفاق شوم بر مه خانه افزوده نمی‌شود... امروز همه دوستان جدید مرد آمده‌اند تا جشن بگیرند جشن تولد دوباره خانواده‌اش را... قرمز... سبزی... آبی... اینها رقص نوری است که... خانواده مرد فقط متعجب هستند... اوایل خوشحال بودند که پسرشان رفت و آمد پیدا کرده و تنها سقف خانه را نمی‌بیند، اما الان نگرانند...

درست حدس زدید آن زن را... آن پارک و آن اطلاعات، کاری کرد تا مرد تا اینجا و همپای این عده پیش رود... مرد می‌خواست از همسر و فرزندش بدانند

## سکانس اول

فقط لیوان آب بود و قرص‌های آرامبخش، آرامبخش‌های رنگی که دو سالی می‌شد رنگ زندگی‌اش را رقم زده بود... آبی برای صبح... سبزی برای زمان‌هایی که دردش زیاد بود و قرمز برای آن وقت‌هایی که با کابوس بیدار می‌شد... تمام زندگی‌اش در این سه رنگ خلاصه شده بود. نه این که فکر کنی از اول این‌طور بوده، نه... از وقتی که آن اتفاق لعنتی زندگی‌اش را از هم پاشید این‌طور شده بود... هنوزم گاهی با صدای کودک دو ساله‌اش از خواب می‌پرد... صدایی که با همان لهجه خاص می‌گوید بابایی آب بیار... هنوز در جای جای خانه عطر همسرش را حس می‌کند... گاهی حتی یادش می‌رود که آنها نیستند و وقتی به خانه می‌آید صدایشان می‌کند.

اما از آن دوشنبه لعنتی که همه زندگی‌اش را برد تا الان دو سال گذشته... دو سالی که او را صدسال پیرتر کرده است...

هنوز روی تختش نیمه‌خواب است که مثل همیشه تلفن زنگ می‌خورد و روی پیغامگیر می‌رود... باز هم مادر است، می‌خواهد تنها پسرش را نصیحت کند... هنوز چند دقیقه‌ای از زنگ مادر نگذشته که دوباره تلفن زنگ می‌خورد و مطابق معمول اول هفته‌ها از شرکتش زنگ می‌زنند و گزارش کار می‌دهند... فقط می‌شنود... فضای خانه مه‌آلود است... تمام پرده‌ها کشیده شده و هیچ نوری وارد نمی‌شود، تنها روزنه‌هایی از نور که توانسته‌اند از درز پرده عبور کنند فضا را کمی از سیاهی مطلق به خاکستری تیره تغییر داده است... محمد دو سال است که نمی‌فهمد شب و روزش چطور سپری می‌شود، گویی او هم در آن حادثه دلخراش همراه همسر و فرزند خردسالش بوده... انگار دریای توفانی هر سه اعضای این خانواده را با هم بلعیده است.

## سکانس دوم

کفش‌های رنگارنگ... گاهی سیاه و گاهی سفید از کنارش... رویه‌رویش و گاهی هم پایه پیش قدم می‌زند و دور می‌شوند... این تنها تصویری است که حالا بعد از آن دوشنبه لعنتی دارد تجربه می‌کند... نور چشمانش را می‌زند برای همین سرش را پایین آورده تا آسمان را نبیند... کسی چه می‌داند شاید آبی آسمان او را یاد دریای بیکرانی می‌اندازد که خانواده‌اش را غرق کرد... قدم‌هایش تندتند و منظم برداشته می‌شود...

رمالان در صفحات حوادث روزنامه‌ها چاپ می‌شوند از پرونده‌های امازادگان توسط سودجویان تا معجون برای ایجاد عشق. اما چه می‌شود که گاهی حتی افراد تحصیلکرده هم در دام این تبلیغات دروغین گرفتار می‌شوند؟! اما همیشه همه چیز این‌طوری پیش نمی‌رود... گاهی اوقات راه رفتن کسی روی آتش یا انجام کارهای خارق‌العاده باعث می‌شود مردم فکر کنند فردی از عنایت ویژه پروردگار بهره‌مند شده است... بسیار شنیده‌ایم که گروهی با بهره‌گیری از سادگی و صداقت مردم و با نشان دادن چند کشف و کرامت، میدان ساده‌لوح را فریب داده و با خود همراه می‌سازند و از این طریق به شهرت، محبوبیت

و حالا این مراسم با خبرهایی که گهگاه زن فالگیر از خانواده مرد به او می‌دهد شده آرامش جانش... دار و ندارش را فروخته تا زن میانسال بیشتر بتواند انرژی ذخیره کرده و از حال عزیزانش باخبرش کند... حالا فقط همین خانه مانده و سود پولی که ماهانه بانک به حسابش واریز می‌شود... هر ماه جشنی با مهمانان زن فالگیر برگزار می‌کند تا انرژی مثبت برای همسر و دخترش ذخیره کند، محصور حرف‌ها و توصیه‌های زن رمال است و فقط منتظر پیغام همسرش است که از طریق زن میانسال برای او ارسال می‌شود.

## پلان جدید!

کم نیستند اخباری که هر روز راجع به دام‌های

اصلی، استفاده از ابزار فرهنگی است.

مهم‌ترین راهکارهای فرهنگی در مقابله با این معضل، آگاهی‌بخشی به مردم از طریق برنامه‌های صدا و سیما، بهره‌مندی از رسانه‌های مکتوب و نشریات کثیرالانتشار و استفاده از فضاهای آموزشی در مدارس و دانشگاه‌هاست.

پلیس فتای استان سمنان نسبت به کلاهبرداری از کاربران در سایت‌های اینترنتی تحت عنوان رمالی، به خانواده‌ها هشدار داد: رمالان اینترنتی با درج مطالبی چون حل مشکلات خانوادگی و زناشویی، مسائل عشقی، مشکلات مالی، دعا برای خوشبختی و خیر از آینده در سایت خود، افراد را ترغیب به گرفتن فال و دعانویسی می‌کنند.

در ادامه این اطلاعیه آمده که رمالان اینترنتی اغلب در سایت‌های خود اقدام به کلاهبرداری از کاربران می‌کنند به طوری که با ارائه شماره حساب، از کاربران می‌خواهند پول به حسابشان واریز کنند.

کارشناس پلیس فتاد در این اطلاعیه توصیه کرد: افراد و خانواده‌ها هرگز به این سایت‌ها اطمینان نکرده و با فرهنگساز، تقویت باورهای دینی و افزایش آگاهی با این پدیده نوظهور مقابله کنند.

## کلیک کن فالت بگیرم

بودن آنها به ارتباطات شان با جن و ارواح بستگی دارد. رمالی این روزها بازار داغی دارد به صورتی که حتی پای این کلاهبرداران به اینترنت هم باز شده است.

رمالی و کلاهبرداری‌های اینترنتی کام بسیاری از کاربران را تلخ کرده و بسیاری از آنها را به نابودی کشانده است. رمالی اینترنتی شیوه دیگری است که تبهکاران، قربانیان ساده‌لوح را از طریق وبسایت‌های اینترنتی شکار می‌کنند و با ارائه شماره حسابی از آنها می‌خواهند پول را به حسابی واریز کرده و نتیجه فال را با پست الکترونیکی دریافت کنند. برای مقابله با چنین معضلاتی باید اقدامات فرهنگی جدی و دائمی صورت گیرد.

این روزها سایت‌های فالگیری هم قارچ‌گونه در همه جای فضای مجازی پراکنده‌اند تا جایی که در شبکه‌های اجتماعی مانند فیسبوک هم صفحاتی ایجاد شده که با دریافت مشخصات شما حتی سال مرگ و چگونگی آن را هم پیش‌بینی می‌کنند.

قانون تا حدی می‌تواند به این معضل رسیدگی کند، اما راهکار

نبود تضمین برای آینده و مبهم بودن آن باعث می‌شود بسیاری از افراد بخواهند از آن باخبر شوند که اغلب آنان جوانان هستند. آنها می‌خواهند بدانند ادامه راهی که شروع کرده‌اند چه می‌شود. عجلو هستند و به تلاش در طول مسیر فکر نمی‌کنند و می‌خواهند بروند سر اصل مطلب.

از هر طریقی سعی می‌کنند عاقبت خود را ببینند و از آن آگاه باشند. کلاهبرداران هم که از این موضوع باخبر شده‌اند از آن به عنوان راهی برای پول درآوردن استفاده می‌کنند. فال می‌گیرند و از آینده‌ای زیبا حرف می‌زنند. اگر مراجعه‌کننده مجرد باشد در آینده او همسری خوش‌سینما می‌بیند و اگر از فال گیرنده مالی به سرعت رفته باشد مشخصات دزد را به او می‌دهند. خلاصه این افراد برای هر مشکلی یک راه‌چاره‌ای پیدا می‌کنند و با ساختن رویای زیبا برای مراجعه‌کننده، او را به مراجعه‌های بعدی نیز تشویق می‌کنند.

برخی از حرفه‌ای‌های این شغل نیز با جن و روح در ارتباط هستند و برای گره‌گشایی از آنها کمک می‌گیرند. درجات حرفه‌ای

## رسانه‌ها عاقبت اعتماد به رمالان را به تصویر بکشند

دکتر اصغر کیهان‌نیا، نویسنده و مشاور خانواده درباره استقبال اکثر ایرانیان از رمالان می‌گوید: اگر بخواهیم به موضوع نگاهی عمقی داشته باشیم باید گفت دلایلی که مردم کشور را به سمت فالگیرها می‌کشاند زیاد است، اما شاید اصلی‌ترین مورد و به نوعی منشأ اول، فرهنگی است که در آن فال گرفتن وجود دارد.

وی افزود: بر همین اساس برای ما برخی از اتفاقات فرهنگ شده و جاافتاده، در عین حال چون در کشور ما قومیت‌های متفاوتی آمدند مثل تاتار، مغول‌ها، ترک‌ها و افغان‌ها و آنها نیز به این کارها علاقه‌مند بودند در ریشه مردم توجه به این موارد دیده می‌شود.

کیهان‌نیا دلیل دوم گرایش مردم به رمالان را در تردید افراد دانسته و گفت: هر وقت ما در جایی تردید داریم و مشکوک می‌شویم به سمت کمک گرفتن از نیروهای غیر عقلایی می‌رویم که روی آوردن به رمال را تشدید می‌کند.

این مشاوره خانواده ادامه می‌دهد: دلیل سوم نبود آگاهی است؛ در این زمینه اهالی هر کشوری که از نظر فرهنگ فقیرتر باشد مردمش به این نوع از کارها اعتقاد بیشتری خواهند داشت. اما دلیل چهارم تشویق‌های ورستان فالگیر است که به صورت غیر علنی و در پوشش دوست و آشنا به سمت هدف رفته و از فواید آن فرد می‌گویند. این افراد به صورت غیر مستقیم تبلیغات را تا جایی ادامه می‌دهند تا افراد به سوی رمال مورد نظر گرایش پیدا کنند.

امدادکتر کیهان‌نیا دلیل بعدی روی آوردن به فالگیر را استیصال افراد در تنگناهای زندگی دانسته و می‌گوید: اگر این افراد تسلط کمتری روی رفتار خود داشته باشند، خیلی سریع به این سو می‌روند تا خود را تسکین دهند.

وی ادامه می‌دهد: این که چرا قشر تحصیلکرده وارد این فضا می‌شود نیز خود دو دلیل عمده دارد؛ یکی فرهنگ فسال و دوم نقش خانواده است. اگر خانواده به رمل و فالگیری علاقه‌مند باشد، فرزند از کودکی این موضوع در باورش ثبت می‌شود و چون والدین قوی‌ترین و موثرترین و نزدیک‌ترین الگو برای فرزند هستند حتی با وجود تحصیلات باز فرزند تمایل به سمت رمالی دارد.

دکتر کیهان‌نیا این راه می‌گوید که وقتی فرزندی در خانواده‌ای رشد کند که مادرش دائماً در حال رفتن پیش فالگیرها بوده و تخم مرغ می‌شکند و... ممکن است در آینده فرزند او هم روش مادر را با شدت بیشتری ادامه دهد.

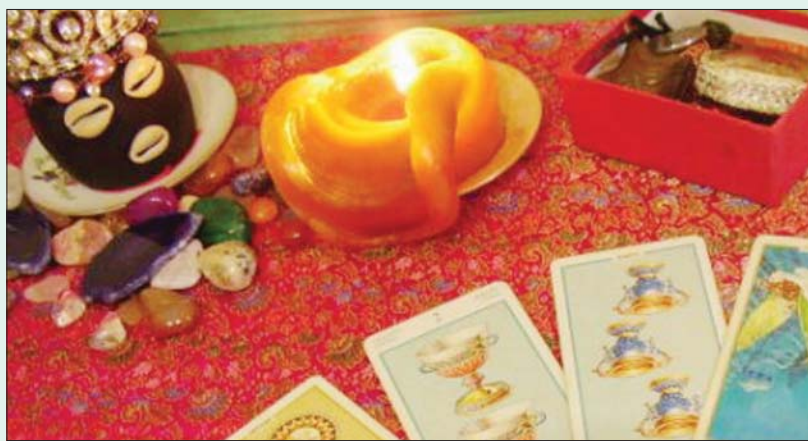
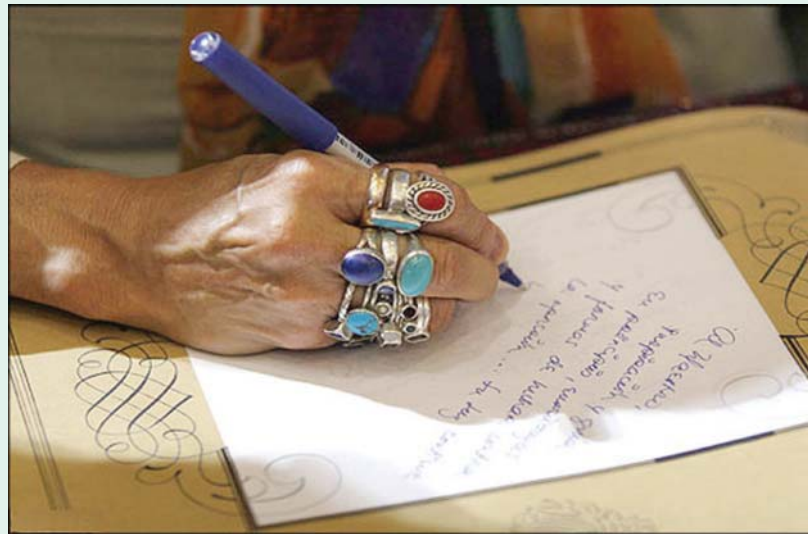
وی راه حل این اتفاق را در بلندمدت فرهنگ‌سازی و کار در تلویزیون، رادیو و روزنامه‌ها می‌بیند و ادامه می‌دهد: رسانه‌ها باید با این کارهای احمقانه مبارزه کنند و عاقبت اعتماد به رمال‌ها را برای جامعه به تصویر بکشند، چرا که خیلی از معجون‌های رمالان واقعا افراد را مریض می‌کند. دومین کاری که می‌توان انجام داد و خیلی مهم است مبارزه با این افراد که قاچاقچیان فکر هستند با عقاید خرافاتی، از جامعه سوء استفاده می‌کند. مبارزه پلیس در این زمینه باید قاطعانه باشد و دوماه بعد این افراد را آزاد نکند.

می‌شود. موضوعاتی که یک روز اتفاق می‌افتد و نیاز به پیشگویی نیست.

وی ادامه داد: در یک پژوهش میدانی که در طول چهار سال از سال ۸۹ تا ۹۳ انجام شد، مشخص شد ۹۰ درصد از مراجعان به فالگیرها زنان هستند که ۷۵ درصد آنها دارای تحصیلات دیپلم به بالا هستند. رقابت عشقی... حذف مزاحم... مهربان کردن قلب طرف مقابل... رسیدن به پول و ثروت بدون زحمت و تلاش برای آگاهی از آینده، ۹۰ درصد از درخواست‌های مراجعان را تشکیل می‌دهد. با توجه به این که مردم ما دارای سابقه دینی هستند متأسفانه بعضی از این شیادان که خود فاقد باورهای دینی هستند با سوء استفاده از آیات مقدس و اسامی مبارک و محترم اقدام به کلاهبرداری می‌کنند. درآمد یک فالگیر در تهران بیش از یک استاد دانشگاه است. گاهی دروغ‌های این شیادان باعث ایجاد دشمنی و حتی متلاشی شدن کانون خانواده می‌شود. در پژوهش یاد شده اصلی‌ترین علل رواج بازار این گونه کلاهبرداران کمرنگ بودن آموزش مهارت‌های زندگی مثل مقاومت در برابر فریب، فاصله گرفتن از معیارهای دینی، تذکر و ایمان به خدا بوده است.

این متخصص علوم رفتاری درباره تجربه شخصی خودش در مواجهه با افرادی که به رمالان مراجعه می‌کنند به تپش گفت: سال گذشته زنی برای مشاوره به اینجانب مراجعه کرد که با اجرای دستورهای رمالی باعث مسمومیت همسرش و به خاطر این حرکت غیر انسانی دچار افسردگی عمیق شده بود. وقتی از وی درباره روش پیشنهادی رمال پرسیدم معجونی نشان داد و گفت: «پنج میلیون تومان بابت این معجون و همین طور سه میلیون تومان بابت یک قطعه فلز هفت گوش که مرکب از طلا، نقره، مس، برنج و روی است پرداخت کردم.»

معجون را در آزمایشگاه مورد بررسی قرار دادیم... مغز یک پرند که به نظر می‌رسید کلاغ باشد همراه با مو، این معجون را تشکیل می‌داد و آن کلاهبردار شیاد از این زن خواسته بود روزی دو بار این معجون را در غذای همسرش بریزد، هنوز دومین روز تمام نشده بود که مرد بیچاره راهی بیمارستان شد.



رفتارشناسی اجتماعی دو گروه است، باورهایی که رنگ و بویی از دین و معیارهای مذهبی دارند و با سوء استفاده از این گونه رفتارها به فریب مردم مشغول هستند مثل جن‌گیری... احضار روح و طلسم و جادو و این قبیل رفتارها و گروه دیگر باورهای خرافی فال و فالگیری با وسایل مختلف از جمله جای و قهوه تا شمع و تاروت و امثال آن می‌باشد که سرمایه اصلی عاملان آن، ساده‌لوحی دیگران و زبان چرب و نرم خودشان است بدیهی است که هر فردی بالاخره در زندگی دشمن دارد... منتظر خبری می‌باشد... نامه‌ای در راه دارد، گفتن این گونه موارد باعث جذب مشتریان رمالان

و گاه ثروت و دارایی دست می‌یابند.

### دامی برای ساده لوح‌ها

دکتر مجید اشتری، آسیب‌شناس اجتماعی در این باره می‌گوید: خرافات به عنوان یک رفتار ضد منطقی و مخالف با عقل و باورهای معنوی از ابتدای تاریخ بشریت در تمام جوامع وجود داشته و دارد. در کشور ما باورهای خرافی در قالب جادو و جمل، فال و سرکتاب و رفتارهایی از این دست از دیرباز تاکنون وجود داشته و متأسفانه از تمام اقشار و طبقات از نظر تحصیلی و اجتماعی، اقتصادی و سنی، مشتریان خود را انتخاب کرده است. باورهای خرافی معمولاً از نگاره

## رمالی از زندان تا اعدام!

رمالی، بدعت در دین و فالگیری تا به حال ممنوع بود، ولی جرم محسوب نمی‌شد، ولی در قانون جدید مجازات اسلامی نه تنها جرم است، بلکه برای آن مجازات اعدام نیز برای موارد خاص در نظر گرفته شده است. بر این اساس با مختاری یکی از کارشناسان حقوق هم‌کلام شدیم که در ادامه می‌خوانید.

### قانون چطور با رمالان برخورد می‌کند؟

با توجه به این که فریب مردم به قصد اخذی از مصادیق کلاهبرداری است، اگر فردی با وعده‌های دروغین فرد دیگری را فریب دهد، جرم است، اما بر حسب مورد درباره چگونگی برخورد با آن، تصمیم گرفته می‌شود.

### قانون با افرادی که ادعای ارتباط با ائمه را دارند، چه برخوردی دارد؟

اینها از مصادیق سحر و جادو است و مستقیماً جرم محسوب می‌شود. افرادی که مدعی نبوت، امامت یا حتی ارتباط با ائمه معصوم هستند، مجرم بوده و باید با آنها برخوردی قاطعانه صورت گیرد. در مورد رمالی اگر چه می‌توان به قانون ۱۳۲۴ استناد کرد، اما معمولاً زمانی که رمالی به تحصیل مال نامشروع منجر بشود، متهم تحت عنوان کلاهبردار تحت پیگرد قرار می‌گیرد و ماده یک قانون تشدید مجازات کلاهبرداری، در مورد او اعمال



می‌شود که حبس و جزای نقدی است.

برای ایجاد وحدت رویه در این زمینه، قانون جدید مجازات اسلامی نه تنها رمالی، بدعت در دین و فالگیری را به وضوح جرم شناخته، بلکه مجازات آن را نیز افزایش داده و برای مرتکب آن، اعدام تعیین کرده است.

### آیا قوانین فعلی از بازدارندگی لازم برخوردار است؟

قوانین موجود اگر با جدیت اجرا شود بازدارندگی لازم را دارد، اما مشکل اینجاست که در اجرای قوانین قاطعیت وجود ندارد. البته درست است که قوانین آن طور که باید سختگیرانه نیست، اما در حدی هم که قانون اجازه داده برخورد قاطع نیست.